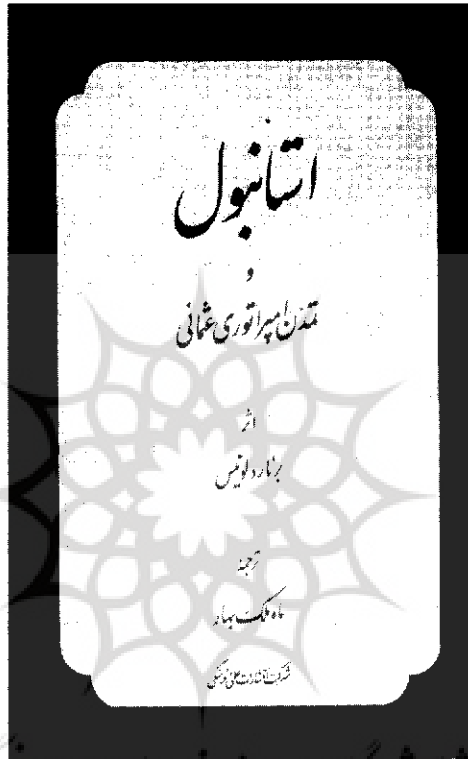


# استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی

- استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی
- تألیف: برنارد لوئیس
- ترجمه: ماه ملک بهار
- ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

● ابوالحسن مبین



از میلاد بیزایونانی پادشاه مگار آن را ساخته بود. این شهر اهمیت خود را از زمانی پیدا کرد که امپراتور کنستانتین (۳۳۷-۳۰۶ م) آن را در ۱۱ ماه مه سال ۳۳۰ میلادی به صورت پایتخت نیمه شرقی امپراتوری روم درآورد و نام شهر به «کنستانتی نوپل» تغییر یافت. اهمیت شهر به لحاظ موقعیت تجاری و استراتژی بود زیرا از سه طرف به وسیله آب و از یک طرف به وسیله خشکی و دیوار محاصره می شد و از این تاریخ تا سال ۱۲۰۴ میلادی از نظر نظامی یک آرگ تسخیرناپذیر برای امپراتوری روم شرقی محسوب می شد. از دلایل ایجاد و توسعه این شهر این بود که در این دوره دولت ساسانی در ایران به عنوان بزرگترین دشمن و خطر از جانب شرق امپراتوری روم را تهدید می کرد. لذا رومی ها لازم دیدند در مشرق قلمروی خود دولتی قوی به وجود آورند تا بتواند از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نماید و در جهت انجام این منظور در زمان کنستانتین و به فرمان وی ساختن باروهای شهر از سال ۳۲۴ میلادی آغاز گردید و در سال ۳۳۰ میلادی پایان یافت. اما با گذشت زمان و افزایش جمعیت، شهر کوچک به نظر می رسید از این رو باروی دوم را امپراتور تئودوسیوس دوم (۴۵۰-۴۰۸ م) برای شهر ساخت که هنوز پابرجاست. ۲۰ پس از فوت تئودور اول در سال ۳۹۵ میلادی بخش شرقی امپراتوری به پسر ارشد او آرکادیوس رسید و این امر منشاء تشکیل امپراتوری روم شرقی یا بیزانس شد و شهر مزبور پایتخت نیمه شرقی امپراتوری گردید. در این زمان در گوشه و کنار این شهر کلیسا، تاتر، سیرک، مسافرخانه، گرمابه، مغازه و بازار وجود داشت و امکانات و بناهای دیگری که شایسته مرکز یک امپراتوری باشد نظیر میدان آوگوستوس، گرمابه با شکوه زئوکسیپوس، کاخ امپراتور، کاخ سنا، قصر اسقف قسطنطنیه، میدان اسپدوانی، دروازه های مختلف و از همه جالب تر کلیسای «سانتا صوفیا» ساخته شد و بنای اخیر از ساخته های دوران حکومت ژوستینیان (۵۶۵-۴۸۳ م) بود. از آنجائی که شهر علاوه بر داشتن امتیاز پایتخت بودن، دارای موقعیت مهم بازرگانی و تجاری نیز بود، به سرعت مسیر رشد و پیشرفت را طی کرد و ثروت سرشاری نصیب آن شد، از این رو از بزرگترین و مجلل ترین شهرهای آن روزگار محسوب می شد. همین ثروت و قدرت و موقعیت مهم تجاری و استراتژی خطراتی را نیز متوجه این شهر می کرد و همواره دشمنان قصد تصرف آن را داشتند. نظیر اسلاوها که برای امپراتوری تهدید همیشگی به شمار می آمدند و از همه سو به آن فشار می آوردند و یا آوارها که در سال ۶۲۶ میلادی شهر را محاصره کردند ولی نتیجه ای به دست نیاوردند. دشمنی بین امپراتوری روم و امپراتوری ساسانی نیز تهدیداتی را متوجه این شهر کرد از آن جمله در دوران خسرو پرویز بود که نیروهای ایران در سال ۶۱۷ میلادی با تصرف آسیای صغیر تا نزدیکی بسفر پیش رفتند و پایتخت را در محاصره گرفتند و مناطق وسیعی از قلمرو امپراتوری روم شرقی به تصرف آنها درآمد. این قضیه کمی

شهر «استانبول»- یا در گذشته اسلامبول، قسطنطنیه، کنستانتینوپولیس، بیزانتیوم، بیزانس- دارای تاریخی طولانی و قدمتی فراوان است این شهر در کنار تنگه بسفر و شمال دریای مرمره و جنوب خلیج شاخ زین قرار دارد. «بیزانتیوم» شهری تجاری در عهد یونان باستان بود که در سال ۶۵۷ پیش



شور و شغف و روحیه‌ای عالی از خود نشان دادند و حال آنکه یونانیان دچار یاس و نومیدی کامل بودند.<sup>۸</sup>

امپراتور کنستانتین یازدهم در ضمن جنگ به قتل رسید. سلطان محمد دوم تلاش فراوان کرد که شهر را بدون ویرانی به تصرف خود درآورد، تا بعداً بتواند آن را مرکز امپراتوری جهانی خود قرار دهد.<sup>۹</sup> این تلاش سلطان محمد که پس از این لقب فاتح گرفت قابل ستایش بود زیرا قبل از این شهر قسطنطنیه بیست و نه مرتبه محاصره شده بود از آن جمله هفت مرتبه توسط سرداران و امرای خلفای عرب و چهار مرتبه توسط سلاطین عثمانی ولی در محاصره‌هایی که تا آن زمان صورت گرفته بود همواره مانعی پیش آمده بود که این شهر را از سقوط و امپراتوری بیزانس را از انقراض رها نیده بود و تنها سلطان محمد دوم که هفتمین سلطان عثمانی است موفق به انجام این کار گردید.<sup>۱۰</sup>

سلطان محمد با فتح این شهر به امپراتوری یک هزارساله روم شرقی پایان داد. وی که در سن ۲۲ سالگی موفق به انجام این کار شد، فردی با عزم و اراده و شخصیتی موقر بود و به دوست و دشمن نشان داد که از استعداد والایی برخوردار است.<sup>۱۱</sup> «با تسلط ترکان عثمانی بر شهری که ۱۱۲۵ سال از ساخت آن توسط کنستانتین می‌گذشت» نام شهر به اسلامبول تغییر یافت که مفهوم «شهر اسلام» از آن برداشت می‌شد و نشانه گرایش بیشتر به اسلامی کردن این شهر بود. در این دوره تلاش زیادی در جهت احیای عظمت گذشته این شهر صورت گرفت و از این رو بیشتر سلاطین عثمانی از زمان فتح شهر تا سقوط امپراتوری ترجیح دادند که نام قسطنطنیه را حفظ کنند. این نام تا سال ۱۹۳۰ میلادی همچنان باقی بود و از آن سال به بعد به طور رسمی و برای همیشه به استانبول مبدل شد.<sup>۱۲</sup>

در کتاب استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی تالیف پرنارد لوئیس سعی شده برخی از چهره‌های امپراتوری عثمانی و تمدن آن را که در مرکز و پایتخت آن یعنی اسلامبول به منصفه ظهور می‌رسید توصیف و تشریح شود. ویژگی کار مؤلف نیز استفاده از نظرات صاحب‌نظران معاصر ترک و عرب و بهره‌گیری از متون و اسناد امپراتوری عثمانی است. در فصل اول کتاب جریان «فتح» شهر به دست سلطان محمد فاتح مورد بررسی قرار گرفته است یعنی تنها پایگاه باقی‌مانده از امپراتوری با عظمت بیزانس در گذشته که از آن در این زمان تنها شهر قسطنطنیه و چند پاسگاه پراکنده در یونان بجا مانده بود. پس از فتح شهر سلطان سوار بر اسب از دروازه‌ای که امروز توپ‌قایی (دروازه توپ) نامیده می‌شود وارد شهر شد و یک راست به سوی کلیسای بزرگ ایاصوفیه (حکمت ربانی) رفت. در آنجا امامی رافراخواند و امام بر منبر نصاری رفت و به بانگ بلند «شهدان لاله‌الاله و شهدان محمد رسول‌الله» گفت و به این ترتیب کلیسای اعظم یونانیان به مسجد ترکان مبدل شد.<sup>۱۳</sup>

محمد فاتح با این پیروزی به طور همزمان هم قیصر رومی یعنی جانشین اوگوستوس و کنستانتین شد و هم پادشاه شرقی. او با این پیروزی، بر اساس سنت‌های سلطنتی عثمانی، وارث رویای کهن حکومت جهانی اسلام شد و غلبه بر غرب را او «فرمانروای دو سرزمین ودو دریا» - رومی و آناتولی، مدیترانه و دریای سیاه - کرد. او که خود را یکجا خان، غازی و قیصر یعنی تجسم سنت‌های ترکی، اسلامی و بیزانسی می‌دید می‌بایست آن شهر را به صورت مرکز یک جهان و یک امپراتوری در آورد.<sup>۱۴</sup> به جای آن که امپراتور در قسطنطنیه فرمان راند، سلطان در استانبول به سلطنت نشست تا بار دیگر این شهر به صورت مرکز یک امپراتوری وسیع با تمدنی عظیم بشکند و ببالد، یعنی امپراتوری عثمانی که آخرین و

کرد که ابتدا همسایگان خود را که احتمال خطر از جانب آنها وجود داشت آرام کند. به این منظور ابتدا پیمان‌های صلحی با صربستان و والاکیا (رومانی امروزی) منعقد کرد. پیمان‌های جدیدی نیز با دولت‌های ونیز و مجارستان به امضاء رسید. با این گونه اقدامات تلاش‌های بیزانس را در جلب حمایت اروپائیان بی‌نتیجه گذاشت. از طریق تهدید و سپس پیوند زناشویی خطر دولت ترکان قرامان را نیز که در بخش وسیعی از آناتولی مرکزی و شرقی حکومت داشت، از میان برداشت. به این ترتیب محمد خود را آماده تصرف شهر نمود و به این منظور ابتدا قلعه‌ای نظامی در شمال شهر در ساحل اروپایی بسفر بنا کرد تا از این طریق نظارت بر این آبراه را در دست داشته باشد و ارتباط زمینی بیزانس را با دریای سیاه قطع کند و همچنین بتواند راه عبور سربازان عثمانی را از آناتولی به اروپا مهیا سازد.<sup>۱۵</sup>

در بهار سال ۱۴۵۳ م/ ۸۵۷ ه. ق لشکریان ترک با عبور از تنگه بسفر به قلعه جدید رومی حصار وارد شدند. در همین زمان ناوگان جنگی ساخته شده در گالیپولی از راه تنگه وارداتل به دریای مرمره رسید و شهر در محاصره کامل قرار گرفت. پس از شروع محاصره سلطان محمد دوم طبق قوانین اسلام نماینده‌ای را نزد امپراتور بیزانس فرستاد و پیشنهاد کرد برای احتراز از قتل و خونریزی شهر را تسلیم کند ولی کنستانتین یازدهم از سلسله پائولوگس که قسم خورده بود از شهر دفاع خواهد کرد، این پیشنهاد را نپذیرفت.<sup>۱۶</sup> محاصره شهر ۴۵ روز به طول انجامید و سرانجام مدافعان شهر که از کمک‌های خارجی محروم مانده بودند، در برابر حملات ترکان از پای درآمدند. نیروهای عثمانی با سوراخ کردن حصار شهر توسط توپخانه وارد قسطنطنیه شدند و به تدریج تا بعد از ظهر روز ۲۹ مه ۱۴۵۳ م/ ۲۰ جمادی الاولی ۸۵۷ ه. ق شهر را به صورت کامل به تصرف خود درآوردند. در این جنگ مسلمانان

بعد به عکس‌العمل و تهاجم متقابل هرقل منجر گردید.<sup>۱۷</sup> با قدرت‌یابی اعراب و شروع تهاجمات آنها به قلمرو امپراتوری بیزانس، این شهر چندبار مورد حمله مسلمانان قرار گرفت. از آن جمله در زمان خلافت عمر و عثمان و معاویه و برخی دیگر از خلفای اموی و عباسی که این تلاش‌ها در نتیجه مقاومت رومیها بی‌نتیجه ماند.<sup>۱۸</sup> به این ترتیب شهر کنستانتی نوپل تا سال ۱۲۰۴ میلادی به دست هیچ مهاجمی نیفتاده بود تا این که در این سال ماجراجویان چهارمین جنگ صلیبی شهر را فتح و غارت کردند و بیزانسی‌ها به ناچار به طرابوزان در غرب آناتولی متواری شدند تا اینکه در سال ۱۲۶۱ میلادی مجدداً توانستند قدرت خود را در این شهر مستقر نمایند.

اما این اقامت نیز طولانی و دائمی نبود زیرا با ورود عنصر جدید به منطقه آسیای صغیر تهدید دیگری آغاز گردید و این خطر جدید از سوی ترکان‌ها بود که پس از پیروزی در نبرد ملازگرد به سال ۱۰۷۱ م/ ۴۶۴ ه. ق بخش اعظم آناتولی را از قلمرو بیزانس جدا ساختند. کمی بعد با روی کار آمدن ترکان عثمانی در قرن ۱۳ م/ ۷ ه. ق این خطر متوجه پایتخت بیزانس یعنی شهر کنستانتینوپل یا قسطنطنیه گردید. به این منظور تلاش‌هایی در زمان سلاطین اولیه این شهر نظیر بایزید اول و مراد دوم صورت گرفت ولی کار نهایی را سلطان محمد دوم انجام داد.

محمد دوم (۱۴۸۱-۱۴۵۱ م/ ۸۸۶-۸۵۵ ه. ق) امپراتور عثمانی برای جلوگیری از تهاجمات دول اروپایی و تکمیل وحدت و یکپارچگی قلمرو امپراتوری، تصرف شهر قسطنطنیه را در راس کارهای خود قرار داد. در پس این ملاحظات عملی، آرزوی دیرینه مسلمانان برای تصرف پایتخت بیزانس نیز وجود داشت.<sup>۱۹</sup> سلطان جدید برای اینکه بتواند همه توان و نیروی خود را در کار تسخیر قسطنطنیه به کار گیرد، قصد آن





عناصر مسیحی در معتقدات و رسوم سازمان‌های اخوت درویشی اشاره کرده و این که در معتقدات تقریباً همه سازمان‌های اخوت عنصر تشیع قوی بود. ۲۳

از ویژگی‌های این طریق و نقش آنها در جامعه و در بین مردم و از نقش آنها در بروز قیام‌های اجتماعی و همچنین از اختلافات بین صوفیان و قشربون در ادامه فصل ششم سخن به میان آمده است. این بخش از کتاب با آثاری از دو تن از شعرای عثمانی و با آوردن دو متن ادبی غنی پایان می‌پذیرد. در بخش «پایان گفتار» به طور مختصر به بررسی علل ضعف امپراتوری پس از سلطنت سلیمان از دیدگاه کوچوبیک، یکی از صاحب‌منصبان دربار عثمانی می‌پردازد و با یک نتیجه‌گیری کتاب را به پایان می‌رساند. به عقیده لوئیس سیاستمداران و نویسندگان سده‌های هفدهم و هیجدهم عثمانی هنوز به دوران طلایی گذشته چشم دوخته بودند و تنها امید نجات امپراتوری را در احیای ایمان و شرع اسلام و بازگشت به سنن قدیم آل عثمان می‌دانستند. معالوصف عده‌ای هم بودند که راه تازه‌ای یافته بودند، راه رفورم و تجدید که با اضمحلال نهایی امپراتوری عثمانی، از همان راه جمهوری ترکیه پدید آمد.

**زیر نویس ها:**

- ۱- امامی. حسام‌الدین: رویدادهای مهم تاریخ انتشارات جلوبان، ۱۳۶۲، ص ۶۴.
- ۲- لوکاس، هنری: تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، انتشارات کیهان، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۲۵.
- ۳- گیرشمن، رومان: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۳۶۸.
- ۴- یعقوبی، ابن واضح: تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، صص ۴۴، ۶۲، ۱۷۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۳۹۶، ۴۰۵.
- ۵- شاو، استانفورد جی: تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان‌زاده معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۶- همان، ج ۱، ۱۰۸ و ۱۰۹.
- ۷- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی: تاریخ عثمانی از تشکیل دولت عثمانی تا فتح استانبول، ترجمه دکتر ایرج نوبخت، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۳۳.
- ۸- دولاندان، ش: تاریخ جهانی، ترجمه احمد میمنش، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۱۵.
- ۹- شاو، پیشین، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۱۰- پورگشتال، هامر: تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میرزا کی علی‌آبادی، انتشارات زرین، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۹۷.
- ۱۱- اوزون چارشلی، پیشین، ج ۱، ص ۵۵۰.
- ۱۲- لوئیس، برنارد: استانبول و تمدن امپراتوری عثمانی، ترجمه ماه ملک بهار، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۲.
- ۱۳- همان، ص ۱۱.
- ۱۴- کین راس، لرد: قرون عثمانی، ترجمه پروانه ستاری، انتشارات کهکشان، ۱۳۷۳، ص ۱۱۶.
- ۱۵- لوئیس، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۱، ۱۱.
- ۱۶- همان، ص ۲۰، ۲۱.
- ۱۷- همان، ص ۴۷.
- ۱۸- همان، ص ۵۳.
- ۱۹- همان، ص ۶۰.
- ۲۰- شاو، پیشین، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۲۱- همان، ص ۴۷.
- ۲۱- لوئیس، پیشین ص ۱۵۸.
- ۲۲- باربر، نوتل: فرمانروایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر گفتار، ۱۳۷۰، ص ۱۷.
- ۲۳- لوئیس، پیشین، ص ۲۲۱ - ۲۲۳.

**تقدیر مسیحی**

**تاریخ کیش زردشتی  
بر اساس کتاب های فارسی  
میانہ  
(پهلوی ساسانی)**

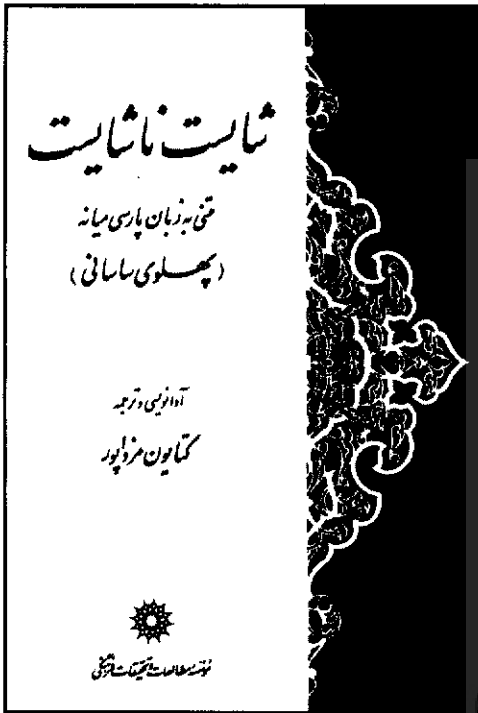
**شایست  
ناشایست**

- شایست ناشایست، متنی به زبان فارسی میانہ (پهلوی ساسانی)
- آوانویسی و ترجمه: کتابون مزداپور
- ناشر: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۶۹.

**نسخه شناسی :**

بن مایه فلسفی اندیشه زردشتی‌گری بر نیکی و بدی (= خیر و شر) و جدال میان آنهاست. نیکی‌ها آفریده اورمزدند و از این رو همه پاک و منزّه؛ و بدی‌ها از آن اهریمن‌اند، پس همگی ناپاک و پلید. هر آن چه که آفریده‌های اورمزدی را بی‌الاید باید از آن پرهیز کرد. پاکیزگی و پرهیزگاری در جزء جزء زندگی دینورمزدیسنایی نقش دارد و آن را باید رعایت کند؛ از ساده‌ترین‌اش مانند پاکیزگی هر روزه خانه تا پیچیده‌ترین‌اش مانند احکام نیالودن آب و آتش و احکام مربوط به شخص در گذشته. از زمان «زردشت اشو» قوانین طهارت وضع شده که

● سیروس نصرالله زاده



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / تیر ۱۳۷۸